



شعب ابی طالب، نماد مقاومت هوشمندانه راهبردهای نبوی برای عبور از موقعیت‌های فراسخت^۱

محمد مهدی احسانی فر^۲

چکیده

نهضت بزرگ نبوی با حمایت مؤمنان و مجاهدان راه حق، در کنار هوشمندی رسول الله ﷺ توطئه‌های بزرگی را از سر گذراند و به پیروزی رسید. یکی از دشمنی‌های کم‌نظیر سربازان شیطان با مسلمانان، تحریمی همه‌جانبه بود که در شعب ابی‌طالب روی داد. پیامبر ﷺ با توکل بر خدا و بهره‌گیری از توان یاران صمیمی‌اش، به‌ویژه جناب ابوطالب رضی الله عنه، توانست شعب را به یکی از نمادهای پایداری در برابر ستم و استضعاف و شوریدن در برابر زورگویی و لجاجت تبدیل کند. شناخت ابعاد فشار دشمن و چگونگی مقاومت جریان حق در برابر این تحریم نفس‌گیر با تاکید بر نقش ابوطالب رضی الله عنه محور اصلی این پژوهش است. نگاشته‌های پیشین در این موضوع به ذکر گزاره‌های تاریخی و توصیف آن اکتفا کرده‌اند. نوآوری این پژوهش در «تحلیل گام به گام» و «توجه به همه ابعاد ماجرای شعب»، به منظور زمینه‌سازی برای «الگویابی» است. این نگاشته با مطرح کردن مختصات ماجرای شعب ابی‌طالب، راه را برای توجه به این مقطع تاریخی و شناخت بهتر جزئیات آن گشوده و برای نخستین بار، داده‌های تاریخی این موضوع را محور تحلیل برای الگویابی قرار داده است.

واژگان کلیدی

تحریم همه‌جانبه مسلمانان، سه سال محاصره، دفاع ابوطالب، استکبار قریش، تاریخ و سیره

۱. حائز رتبه اول کمیسیون مقاومت.

۲. پژوهشگر حوزه علمیه قم ehsanyfar@gmail.com

درآمد

مقاومت در برابر دشمن سه گونه است؛ «مقاومت ناامیدانه» که بازه‌های کوتاه از زمان را در بر می‌گیرد و سپس در هم شکسته می‌شود. ناامیدی از ادامه مسیر، انگیزه مقاومت را کاهش می‌دهد و فرد را پیش از کشته شدن به استقبال مرگ می‌برد. گونه‌ای دیگر، «مقاومت بی‌باکانه» است؛ پایداری به همراه امید اما بدون برنامه و همراه با تهوّر یا بی‌باکی؛ یعنی شجاعت بدون فکر و ناروشمند. این مقاومت نیز محکوم به شکست است، زیرا شجاعت بدون اندیشه و برنامه، چیزی شبیه خودکشی است. گونه سوم، «مقاومت هوشمندانه» است؛ پایداری همراه با اعتقاد به هدف، امید به پیشرفت و برنامه و روش دقیق. این مقاومت، پیروزمندانه است.

شعب ابی طالب، در فرهنگ اسلامی، نمادی است برای مقاومت هوشمندانه و پیروزمندانه. قهرمان اصلی این مقطع تاریخی که توانست در کنار رسول الله ﷺ بر دشمنی‌ها غلبه کند، ابوطالب رضی الله عنه بود؛ کسی که در دوره‌ای از رسالت پیامبر ﷺ بزرگ‌ترین مدافع ایشان محسوب می‌شد.

شناخت مقطع تاریخی شعب ابی طالب کمک می‌کند الگوهای مقاومت به‌روز شود و راهبرد پایداری نبوی در برابر تحریم‌های بزرگ، روشن گردد. پژوهش حاضر پس از گردآوری همه داده‌های تاریخی در موضوع خود، آنها را مرحله به مرحله تنظیم و تحلیل کرد. سپس با رویکرد الگویابی، داده‌ها را در قالب مقاله پیش رو به نحو تحلیلی مدون نمود. رویکرد «الگویابی» زمینه‌سازی برای رسیدن به الگویی ویژه با بهره‌گیری از داده‌هایی خاص است. داده‌های خاص این پژوهش را گزاره‌های تاریخی در موضوع شعب ابی طالب شکل می‌دهد که از معتبرترین منابع تاریخی، تتبع و گردآوری شده است. همه این منابع در ارجاعات ذکر نمی‌شود بلکه تناسب متن ماخوذه از هر منبع با سیر نگارش مقاله، تعیین‌کننده ارجاع مندرج در پاورقی خواهد بود. الگوی ویژه‌ای که این تحقیق می‌تواند راه دستیابی به آن را فراهم کند «راهبردهای مقاومت نبوی در برابر تحریم‌های همه‌جانبه» است.

پیش‌تر، نگاشته‌های گوناگونی در موضوع این مقاله منتشر شده است. مقاله «تحقیقی پیرامون شعب ابی طالب» از سید علی قاضی‌عسکر^۳ و مقاله «شعب ابی طالب» نوشته زینب ابراهیمی^۴ از آن جمله است. شماره‌های ۴۷، ۴۸ و ۴۹ مجله سفینه نیز به موضوع ابوطالب اختصاص یافته و مطالب مختلفی درباره شعب منتشر شده است. هیچ یک از این نوشته‌ها در صدد گردآوری جامع همه داده‌های تاریخی و حدیثی در این موضوع نبوده‌اند. از این زاویه، پژوهش حاضر، تلاشی نو به

۳. مجله میقات حج، ش ۳.
۴. pajoohi.ir

حساب می‌آید. همچنین، نوشتارهای پیشین با روش توصیفی، ماجرای شعب را شرح داده‌اند و تحلیل روشمند ماجرا با نگاه امروزی در آنها دیده نمی‌شود. سومین نوآوری این مقاله، رویکرد الگویابی یا زمینه‌سازی برای رسیدن به الگوی مقاومت نبوی در برابر تحریم‌ها است.

مقاله کنونی در دو بخش ابتدا داده‌های تاریخی درباره ماجرای شعب ابی‌طالب را به نحو منسجم، بیان و سپس راهبردهای نبوی برای عبور از آن وضعیت را تبیین می‌کند.

الف) ماجرای شعب ابی‌طالب از نگاه تاریخی

مشرکان مکه از گسترش روزافزون اسلام نگران شده بودند.^۵ گرویدن برخی از سرشناسان، مانند حمزه فرزند عبدالمطلب، به پیامبر بر نگرانی‌ها می‌افزود. حمایت‌های ابوطالب^۶ و بنی‌هاشم از پیامبر^۷ موجب شد قریش نتواند اقدامی جدی برای کشتن ایشان انجام دهد.^۸ رفت و آمد چندباره آنها نزد ابوطالب نیز بهره‌ای نداشت. وی همواره از رسول‌الله^۹ دفاع می‌کرد و حتی مشرکان را به مباحثه با ایشان فرا می‌خواند!^{۱۰}

۱. اهداف تحریم همه‌جانبه

وقتی مشرکان دستشان از کشتن پیامبر^{۱۱} کوتاه شده و آزار ایشان تأثیری بر اراده پولادین آن حضرت نگذاشت، تصمیم گرفتند فشار بر یاران پیامبر^{۱۲} را افزایش دهند.^۹ بر اساس معادلات آنها، با افزایش فشار بر یاران، یک یا برخی از فرضیات زیر روی می‌داد:^{۱۰}

- یاران پیامبر^{۱۳} خسته شده و ایشان را رها می‌کنند. در این صورت قریش می‌تواند آن حضرت را بکشد؛ زیرا دیگر، طرفداری وجود ندارد. ابوطالب هم به تنهایی و بدون بنی‌هاشم و یاران نمی‌تواند از ایشان حمایت کند.
- فشار بر پیامبر^{۱۴} و یارانشان موجب تحریک مردم می‌شود و می‌توان گروه‌های متعددی از مردم مشرک را در مقابل بنی‌هاشم قرار داد و با حمایت مشرکان، در جنگی نابرابر، این گروه اندک را نابود کرد. در این حالت، ابوطالب هم توان حمایت ندارد و قتل پیامبر^{۱۵} و یارانشان به نام چند نفر تمام نمی‌شود تا بشود با آنها مقابله کرد، بلکه به نام گروه‌های مردمی کفار است که مقابله نظامی با آنها ممکن نیست.

۵. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۱.

۶. ایمان ابی‌طالب، ص ۳.

۷. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۱؛ الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۶۳.

۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۱.

۹. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۳۱۵.

۱۰. الصحيح من سيرة النبي الاعظم^{۱۶}، ج ۳، ص ۳۲۷.

- پیامبر ﷺ و یاران، تاب فشار نمی‌آورند و بر اثر گرسنگی، تشنگی و مشکلات روحی می‌میرند.
- پیامبر ﷺ بر اثر ناراحتی ناشی از تحت فشار قرار گرفتن یاران، از دعوت به مسیر عدالت و حقیقت، صرف نظر می‌کند.
- پیامبر ﷺ و یاران در اثر این فشار به گونه‌ای محدود می‌شوند که یارای دعوت دیگران را نخواهند داشت یا دعوتشان جذابیّت لازم را ندارد. اینها تحت فشار باقی می‌مانند و به عنوان گروهی اندک زندگی سختی را می‌گذرانند تا بمیرند و تفکرشان نیز نابود شود. هرچند برخی از این فرضیات برای قریش بهتر از بعضی دیگر بود ولی هر کدام که روی می‌داد، آنها به خواسته نهایی‌شان، یعنی جلوگیری از گسترش اسلام و نابودی تفکر انقلابی پیامبر ﷺ، می‌رسیدند.

۲. موادّ پیمان تحریم

- سران کفر،^{۱۱} که هر یک از آنها طایفه و مجموعه‌ای را ریاست می‌کرد، در جلسه‌ای توافق کردند موادّ زیر را برای فشار بر پیامبر ﷺ و یارانشان اجرا کنند:^{۱۲}
- هر گونه فعالیت اقتصادی، حتی خرید و فروش عادی با محمد و یارانش، ممنوع است.^{۱۳}
 - هر گونه معاشرت، حتی ازدواج کردن، سخن گفتن یا سلام کردن با محمد و یارانش ممنوع است.^{۱۴}
 - در همه دعاوی باید از مخالفان محمد و یارانش حمایت کرد.
 - از همه فرصت‌ها برای سخت‌گیری بر بنی‌هاشم و آزارشان استفاده می‌شود.
 - همه این شرایط تا زمانی که بنی‌هاشم، محمد را برای کشتن به قریش تحویل ندهد، اجرا می‌گردد.^{۱۵}

۱۱. گفته شده که چهل نفر از سران کفر این پیمان را مُهر کردند. (اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۳۶)

۱۲. در منابع تاریخ و سیره، دو گزارش درباره ورود به شعب ابی‌طالب آمده است؛ گزارش نخست حکایت از آن دارد که پس از تشدید فشارها، پیامبر ﷺ و یاران به شعب رفتند و سپس تحریم همه‌جانبه وضع شد. گزارش دوم حکایت از آن دارد که پس از وضع تحریم همه‌جانبه به شعب رفتند. هر دو گزارش از این منظر که رفتن به شعب بر اثر فشار شدید بود، اتفاق نظر دارند. (البدایة و النّهایة، ج ۳، ص ۱۰۵)

۱۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۰.

۱۴. وقعة صفین، ص ۸۹.

۱۵. تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۱.

پس از آن بود که یکی از بزرگ‌ترین تحریم‌های تاریخ اسلام رقم خورد؛ تحریم همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی که نظیرش را در تاریخ اسلام نمی‌توان یافت.^{۱۶} پس از آغاز اجرای این پیمان، آزار مشرکان، افزون بر خود پیامبر ﷺ، بر یاران ایشان نیز بیشتر شد. تحریم اقتصادی موجب بحران در وضعیت زندگی یاران شد؛ تحریم اجتماعی به انزوایشان انجامید و تحریم حقوقی و آزارها، عرصه را بیش از پیش تنگ کرد.

در چنین وضعیتی، پیامبر ﷺ با مشورت ابوطالب رضی الله عنه،^{۱۷} تدبیری هوشمندانه اندیشید. ایشان باید به عنوان رهبر این جامعه کوچک و مظلوم، برای حفظ روحیه و جان یاران، همه تلاشش را به کار می‌بست؛ چراکه با نابودی آنها یوری برای دین باقی نمی‌ماند. پیامبر ﷺ می‌دانست که هر یک از یاران به‌تنهایی توان مقابله با این تحریم‌ها را ندارند، اما تجمیع توانایی‌های آنها، به حفظشان می‌انجامد؛ کنار هم بودن تازه‌مسلمانان موجب افزایش روحیه آنان می‌شود، و تقسیم توانایی‌ها و مشکلات، موجب رشد توان و کاهش مشکل می‌گردد. این تفکر، مبنای برنامه مدبرانه پیامبر ﷺ و ابوطالب رضی الله عنه بود.

رسول الله ﷺ با حمایت ابوطالب، همه مسلمانان را فرا خواند تا زندگی جدیدی را در ملک عبدالمطلب^{۱۸} آغاز کنند. با فراخوان ایشان، بنی‌هاشم و تعدادی دیگر از تازه‌مسلمانان زندگی‌شان را در بخش رسمی شهر مکه رها کردند و به خانه‌های کوچک و سایبان‌هایی رفتند که از پیش در ملک عبدالمطلب وجود داشت. این ملک که به شعب ابی‌طالب شهرت یافته بود پشت کوه صفا و مروه قرار داشت. نزدیکی این مکان به کعبه و محل رفت و آمد حاجیان، امکانات ابتدایی موجود در آن که از سال‌ها قبل باقی مانده بود، محصوربودن به ارتفاعات و امکان محافظت از خانواده‌های داخل شعب، خاطرات خوب از این منطقه مانند وجود خانه عبدالمطلب، بزرگ مکه در آن، خانه عبدالله فرزند عزیز عبدالمطلب، تولد پیامبر در آن^{۱۹} و برخی خاطرات خوب دیگر که موجب تقدسی نسبی برای این مکان می‌شد، کمک می‌کرد تا در احوال سخت تحریم، جلو بخشی از فشارها گرفته شود. در حقیقت، این قریش نبود که تصمیم به کوچاندن پیامبر ﷺ به شعب گرفت، بلکه پیامبر ﷺ بر اساس تحلیل وضع موجود و حمایت ابوطالب، حفظ روح و جان مسلمانان را متوقف بر تجمعیان در کنار یکدیگر دید. از این رو در آغاز سال هفتم بعثت،^{۲۰} فرمان به نقل منزل صادر فرمود.

۱۶. وقعة صفین، ص ۸۹؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۴۴.

۱۷. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۶۳.

۱۸. اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۳۳.

۱۹. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲۰. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۴۴.

ب) راهبردهای نبوی برای عبور از وضعیت شعب ابی طالب

نقل مکان یا هجرت مجاهدانه به شعب ابی طالب پشتوانه‌های نظری متعددی داشت که در بررسی‌های تاریخی می‌توان به بخشی از آن دست یافت. این پشتوانه‌ها، در حقیقت، راهبردهای پیامبر ﷺ برای عبور از تحریم مطلق بود. ایشان با همراهی ابوطالب توانستند تهدید تحریم را به فرصت بدل کنند و نشان دهند که نور اسلام خاموش‌نشده است. راهبردهای در خور تحلیل از متون تاریخی چنین است:

۱. تشکیل جامعه‌ای جدید و حفاظت‌شده

پیامبر ﷺ می‌دانستند که آزر دیدن در کوچه‌ها و تحقیرهای اجتماعی موجب شکستن روحیه یاران می‌شود. از سویی نمی‌توان مردم تازه‌مسلمان را به بیرون‌نیامدن از خانه توصیه کرد؛ چراکه انسان به روابط اجتماعی نیاز دارد. ایشان با تدبیری هوشمندانه کوشیدند اجتماعی نو تشکیل دهند. اجتماع جدید مسلمانان، هرچند به بزرگی جامعه مکه نبود و تشکیلش هزینه‌هایی در پی داشت، اما ویژگی‌های راهبردی‌اش موجب حفاظت از مسلمانان و یاران می‌شد. در این اجتماع فقط کسانی حضور داشتند که دشمن، نیازها و رهبر مشترک داشتند. تازه‌مسلمانان می‌توانستند در این اجتماع، نیاز خود به روابط اجتماعی را تامین کنند و از آزار و تحقیر مستقیم در امان باشند. آنها «تحریم» را، که به ضعف اقتصادی و فقر مضاعف منجر می‌شد، بر «تحقیر»، که موجب شکستن بنیان‌های انسانیت و عزتشان می‌شد، ترجیح دادند.^{۲۱}

۲. بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی

پیامبر ﷺ موقعیت جغرافیایی این جامعه جدید را به گونه‌ای قرار داد که چند ویژگی مهم داشت:

- به دلیل ارتفاعات اطراف شعب، امکان حفاظت از مسلمانان، وجود داشت.
- ساکنان می‌توانستند آزادانه اعمال دینی‌شان را انجام دهند.
- جغرافیای مکانی و وجود راه‌هایی کوچک و کنترل‌پذیر از درون شعب به درون و بیرون شهر مکه، امکان فعالیت مخفیانه و هدایت برخی از عملیات‌ها را از درون آن به سایر مکان‌ها می‌داد.
- امکان ارتباط با مردم خارج از تحریم وجود داشت. قرار گرفتن شعب در پشت کوه صفا و مروه، یعنی در نزدیکی خانه کعبه، موجب می‌شد برخی از حاجیان برای رفتن به خانه خدا از این مسیر استفاده کنند. این موضوع می‌توانست زمینه‌ای برای ارتباط و تامین نیازهای ضروری باشد.

در حقیقت، پیامبر با هوشمندی از همه موقعیت‌ها، حتی موقعیت جغرافیایی بهره برد.

۲۱. ن. کت تاریخ ابن‌خلدون، ج ۲، ص ۹.

۳. شناخت و بهره‌گیری از توان همه نیروها

پیامبر ﷺ می‌دانست که فرد فرد یاران، توانایی‌هایی دارند که باید به آن توجه و از آن استفاده شود. توان هر یک از افراد می‌توانست به کمک همه بیاید، از دشواری اوضاع بکاهد و بهره‌ای تصاعدی داشته باشد. در جامعه کوچک شعب ابی‌طالب چنین زمینه‌ای فراهم بود.

۴. ایجاد حسّ تعهد و مسؤولیت‌پذیری

اعتماد پیامبر ﷺ به توانایی‌های یاران، انگیزه‌شان را افزایش می‌داد و مسؤولیت‌پذیری را در آنها تقویت می‌کرد. تازه‌مسلمانان که بسیاری از آنها تا دیروز جایگاهی در جامعه نداشتند، امروز نقش خود را در اجتماع جدید درک کرده و احساس می‌کردند که مفید هستند. آنها فهمیدند که اگر مسؤولیت فردی‌شان را به‌درستی انجام دهند، خود و جامعه‌شان از آن بهره خواهند برد. چنین فضایی حسّ تعهد را در جامعه جدید ایجاد می‌کرد.

۵. زمینه‌سازی برای تجربه یاران

در جامعه جدید شعب ابی‌طالب، یاران پیامبر ﷺ به تجربیات شخصی و اجتماعی دست یافتند. مسؤولیت‌دادن به آنها زمینه این تجربیات را فراهم کرد؛ سابقه‌ای که بعدها در تشکیل جامعه بزرگ اسلامی در مدینه به کار آمد. در حقیقت، پیامبر با اعتماد به یاران، زمینه رشد فردی و اجتماعی‌شان را فراهم کرد؛^{۲۲} چیزی که هیچ‌گاه در جامعه دیکتاتوری جاهلی جایگاهی نداشت.

۶. ایجاد محبت و وحدت میان مردم

پیامبر ﷺ، مسلمانان را به یاری یکدیگر تشویق کرد. در جامعه شعب هر کسی مسؤولیتی بر عهده داشت و همه می‌دانستند که فرد فردشان برای دیگران مهم‌اند. احساس نیاز به یکدیگر در عین تعهد به‌وجود آمده و اشتراک در تحمّل مشکلات، بر صمیمیت و محبت یاران می‌افزود. آنها خود را به یکدیگر مدیون می‌دانستند. بر این اساس، وحدتی واقعی در میانشان شکل گرفت. کسانی که تا دیروز در فضای طبقاتی زندگی می‌کردند و ثروت، جایگاه، شهرت و عوامل دنیوی دیگر، میانشان مرزهای ساختگی ایجاد کرده بود، امروز با یکدیگر همسایه و هم‌مسیر شده، برای هدف مشترک می‌کوشیدند و در مقابل دشمن مشترک ایستادگی می‌کردند.^{۲۳}

۲۲. الصّحیح من سیرة النّبی الاعظم ﷺ، ج ۳، ص ۳۲۹.

۲۳. نخستین پیمان برادری اسلامی که در مکه بسته شد در دوران شعب ابی‌طالب یا اندکی پس از آن و با بهره‌گیری از محبت‌های ایجادشده در شعب بود. (ینابیع المودة، ج ۱، ص ۱۷۸)

۷. بهره‌گیری از توان کافران همراه

هنگام حضور مسلمانان در شعب، برخی از بنی‌هاشم هنوز ایمان نیاورده بودند؛ اما تعصبات قبیله‌ای موجب می‌شد پیامبر ﷺ را تنها نگذارند. همچنین، در خارج از شعب کافرانی بودند که هنوز انسانیت در وجودشان کورسویی می‌زد و هرچند در دین با مسلمانان هم‌عقیده نبودند ولی در انسانیت، خود را با آنها شریک می‌دیدند و زورگویی‌های سران طاغوت را بر نمی‌تافتند.^{۲۴} پیامبر ﷺ کوشیدند از اشتراکات خود با این گروه بهره‌گیرند. استفاده از این ظرفیت به عهده ابوطالب رضی الله عنه گذاشته شده بود. حکیم بن حزام، برادرزاده حضرت خدیجه رضی الله عنها، ابوالعاص بن ربیع، هشام بن عمرو، زهیر بن امیه، ربیعه بن حارث، مطعم بن عدی، ابوالبحتری بن هشام و زمعه بن اسود از کسانی بودند که توانشان در شعب ابی‌طالب به کمک مسلمانان آمد.^{۲۵}

۸. ایجاد گردهمایی‌های روشنگر

پیامبر ﷺ می‌دانست که حفظ روحیه یاران به نحو جداگانه کاری است دشوار. بنابراین، باید راهکاری در پیش می‌گرفت تا یاران، خود، به تقویت هم کمک کنند. تشکیل جامعه شعب ابی‌طالب می‌توانست زمینه را برای گردهمایی‌های متعدد فراهم کند. در این اجتماعات، مسلمانان این امکان را داشتند تا افزون بر درد دل و سخن گفتن که موجب تخلیه برخی از فشارها می‌شد، انگیزه یکدیگر را برای ایستادگی و تلاش، تقویت کنند و بر مقابله با دشمن ستمگر پای بفرسند.

۹. مدیریت منابع مالی، تولید و تأمین

پیامبر ﷺ می‌دانست که هر یک از یاران، به تنهایی، تاب فشارهای شدید اقتصادی را ندارد. آنها توان مالی محدودی داشتند که اگر مدیریت نمی‌شد، پایان می‌یافت و تأمین مالی جدید، غیر ممکن یا بسیار سخت بود. با توجه به شرایط تحریم، امکان تولید غذا هم بسیار محدود بود. بنابراین، باید توان مالی موجود، مدیریت، و از راهکارهای بسیار محدود تولید غذا و تأمین مالی جدید استفاده می‌شد. به بیان دیگر، پیامبر راهبرد اقتصادی سه‌جانبه‌ای را در پیش گرفت. ضلع نخست این راهبرد بر مدیریت منابع مالی موجود و توزیع زمانی آن در بازه سه‌ساله شعب متمرکز بود.^{۲۶} ثروت حضرت خدیجه رضی الله عنها و دیگر مسلمانان در شعب به کمک دین آمد و همه‌اش مصرف شد.^{۲۷} ضلع دوم به تأمین مالی جدید با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی اختصاص داشت که ابوطالب می‌کوشید از رابطه

۲۴. الطبیقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۵.

۲۵. تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۶، ص ۱۲۰.

۲۶. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۸۶.

۲۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۶۱؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۹.

خود با ثروتمندان مکه استفاده کند و مخفیانه اموال و کالاهایی را درون شعب ببرد یا از فرصت عبور کاروان‌های حج استفاده کند. ضلع سوم به تولید ضروریات حیات در درون شعب توجه می‌کرد.^{۲۸} مسلمانان می‌کوشیدند آب مختصری را که از چاه موجود در شعب به دست می‌آمد برای آبیاری زمین نا حاصل خیز شعب استفاده کنند و با آن گیاهانی بکارند که آنها را از مرگ نجات دهد.^{۲۹} در حقیقت، الگوی مدیریت اقتصادی پیامبر بر ایستادگی بنا نهاده شد و رفتاری که نشان‌دهنده عقب‌نشینی باشد در عملکرد ایشان یافت نشد.

۱۰.۱۰. دوزدن تحریم‌ها

شکستن مخفیانه مرزهای تحریم می‌توانست به افزایش روحیه یاران پیامبر بینجامد، بخشی از نیازها را تامین کرده، روحیه مشرکان را در ادامه تحریم‌ها سست کند. پیامبر ﷺ بدین منظور راهکاری مبتنی بر سه ضلع پایه‌ریزی کرد:

- استفاده از ظرفیت خویشانی که می‌توانستند از خارج محدوده تحریم، برخی از نیازها را برآورده کنند.^{۳۰}
- بهره‌گیری از ظرفیت جوانان همراه در انجام‌دادن اقدامات مخفیانه برای رساندن غذا و پیگیری امور دیگر.^{۳۱}
- استفاده از ظرفیت کافران همراه.^{۳۲}

در حقیقت، پیامبر با بهره‌گیری از این سه ضلع، هر زمان که یکی از اضلاع تضعیف می‌شد می‌توانست دیگری را تقویت کند و بدون عقب‌نشینی از آرمان‌ها، ضروریات حیات را برای یارانش فراهم آورد.

۱۱. ایجاد ساختار حقوقی و اجتماعی جدید

دور شدن از فضای مکه و تحریم حقوقی مسلمانان موجب شد نیاز به نظام حقوقی و اجتماعی جدیدی ایجاد شود. پیامبر ﷺ از این فرصت برای پیاده‌سازی بخش کوچکی از نظام حقوقی و اجتماعی اسلام بهره گرفت. همین فرصت اندک موجب شد مسلمانان با پایه‌های نظام اسلامی آشنا شوند و شیرینی‌اش را در عمل بچشند. همچنین، آنها در این دوره از نظام جاهلانه مکه رهایی یافتند. در حقیقت، پیامبر ﷺ با اینکه حکومتی در اختیار نداشت ولی از فضای شعب ابی‌طالب برای

۲۸. جواهر التاريخ، ج ۱، ص ۳۶۵.

۲۹. معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۱؛ اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۲۶؛ السيرة الحلیة، ج ۲، ص ۲۵.

۳۰. ایمان ابی‌طالب، ج ۳؛ تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳۱. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۷۴؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۶۶، ص ۴۲۰؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱۳، ص ۲۵۶.

۳۲. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۰۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۵.

ایجاد شبه‌حکومتی کوچک بهره برد و مسلمانان نیز با اینکه در رنج شدیدی بودند اما سوسوی حکومت اسلامی را دیدند و از تجربه‌اش در مدینه استفاده کردند. پس از شعب ابی‌طالب، این، مکه بود که از نظام حقوقی و اجتماعی جدید بالاجبار تاثیر پذیرفت؛ اما پیامبر و یارانش هیچ‌گاه از ساختارهای ایجادشده، که دستاورد دوران سختی مضاعف و محصول رنج‌های یاران بود، عقب‌نشینی نکردند.^{۳۳}

۱۲. تقویت کیفی یاران

پیامبر ﷺ در درون شعب، با محدودیت تبلیغ دین مواجه بود و می‌توانست از این فرصت برای تقویت ایمان تازه‌مسلمانان داخل شعب بهره گیرد. در حقیقت، وقتی زمینه گسترش کمی اسلام محدود شد ایشان تقویت کیفی یاران را در برنامه کاری‌اش قرار داد. مسلمانان شعب در این دوران با تقویت ایمان و تجربه خویش و انباشته‌کردن دشمنی خود با دشمنان توانستند گروهی صبور و مقاوم را شکل دهند؛ صبر و استقامتی که بعدها در موقعیت‌های مختلف به کمک اسلام آمد.

۱۳. زندگی در میان مردم

پیامبر ﷺ می‌دانست که دوری از یاران به کاهش انگیزه‌شان منجر می‌شود و مدیریت اوضاع را سخت‌تر یا از کنترل خارج می‌کند. حضرت می‌توانست از محدوده مکه خارج شود و در جای دیگری به کارش ادامه دهد؛ ولی رهاکردن یاران و دورشدن از آنها به دلسردی‌شان می‌انجامید. بهترین راه این بود که همانند یارانش با خانواده خود در همان اجتماع تازه‌تشکیل‌شده زندگی کند.^{۳۴} آن حضرت، مکان زندگی‌اش را در جایی قرار داد که امکان مشاهده برای همه باشد.^{۳۵} مسلمانان هر روز می‌توانستند مکان زندگی رهبرشان را ببینند و از نزدیک درک کنند که ایشان هم مانند آنها با مشکلات بسیار روبه‌رو است؛ افزون بر اینکه بار مشکلات آنها را هم به دوش می‌کشد. این روش موجب افزایش اعتماد مسلمانان شد و انگیزه مردم را برای پای‌بندی به دین جدید افزون کرد.

۱۴. ارتباط نزدیک با مردم

پیامبر ﷺ می‌دانست که تازه‌مسلمانان با اعتماد به ایشان، اسلام را برگزیده‌اند و با اینکه هنوز پیروزی‌های چشمگیر دین را ندیده‌اند حاضر به ایستادگی شده‌اند.^{۳۶} محبت آنان به ایشان، وجه مشترک دینداری‌شان بود و چنین محبتی نیاز به تجدید داشت. ارتباط نزدیک پیامبر ﷺ با مردم و شنیدن مشکلات و سخنان می‌توانست از آلامشان بکاهد و بندهای محبت را تقویت کند. مسلمانان

۳۳. البداية و النهاية، ج ۳، ص ۱۲۳.

۳۴. شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۵۹؛ جواهر التاريخ، ج ۱، ص ۱۴۱.

۳۵. الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ، ج ۳۳، ص ۱۴۳.

۳۶. البداية و النهاية، ج ۳، ص ۱۰۹.

نیز با این ملاقات‌ها و سخن‌گفتن‌ها درمی‌یافتند که دین جدید، انسان را گرامی می‌دارد و برای فرد فرد پیروانش اهمّیت قائل است.

۱۵. بهره‌گیری از فرصت حضور در مجامع

پیامبر ﷺ و یارانش فقط اجازه داشتند در موسم حج و عمره ماه رجب، آزادانه از شعب ابی‌طالب خارج شوند.^{۳۷} آنها از این فرصت استفاده فراوان می‌کردند و در تقویت روحیه خویش و ارتباط با خویشان می‌کوشیدند و اجازه نمی‌دادند تحریم‌های اجتماعی به انزوای همیشگی مسلمانان منجر شود، بلکه با تشویق آنها به برقراری ارتباط با خویشان و مردم در موسم حج، افزون بر ایجاد تنوع روحی در یاران، اخلاق اسلامی را در جامعه مکه تبلیغ می‌کردند.^{۳۸}

۱۶. اصرار بر رساندن پیام‌ها

پیامبر ﷺ و مسلمانان از فرصت حج و عمره برای تبلیغ گسترده دین استفاده می‌کردند. ایشان از فرصت عبور کاروان‌ها از شعب ابی‌طالب برای برقراری ارتباط با کاروانیان و دعوتشان به اسلام بهره‌گرفتند.^{۳۹} جالب اینکه در موقعیت سختی و رنج تازه‌مسلمانان و در زمانی که هنوز دین، جذّابیت دنیایی ویژه‌ای نداشت، آن حضرت با شجاعت، پیام‌های دینی را تبلیغ و از دیگران برای گرویدن به دین جدید دعوت می‌کردند. این دعوت تا آنجا پیش رفت که معجزه شقّ القمر در دوران تحریم و در مقابل چشمان مشرکان روی داد.^{۴۰} در همین دوران، عده‌ای مسلمان شدند و افزایش مسلمانان به تقویت روحیه دیگران و تضعیف کافران انجامید.^{۴۱}

۱۷. تلاش برای جلب حمایت دیگران

پیامبر ﷺ و یارانش، چه در موسم حج و چه در موقعیت‌های آشکار و نهان دیگر، می‌کوشید نظر مردم خارج از تحریم را برای حمایت از تحریم‌شدگان جلب کند. این روش موجب فشار بر مشرکان می‌شد. حمایت‌های مردمی خارج از شعب توانست روحیه شعب‌نشینان را تقویت کند. پیامبر ﷺ با تاکید بر ویژگی‌های انسانی و پیام‌های روشن دین که برای همگان قابل فهم بود، افزون بر دعوت آنها به اسلام، پیام مظلومیت خویش و ستمگری زورگویان را به مردم خارج از شعب

۳۷. الصّحیح من سیرة النّبی الاعظم ﷺ، ج ۳، ص ۳۲۹.

۳۸. اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۲۶؛ تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳۹. تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۴؛ البدایة و النّهایة، ج ۳، ص ۱۰۹.

۴۰. الصّحیح من سیرة النّبی الاعظم ﷺ، ج ۳، ص ۳۳۴.

۴۱. الصّحیح من سیرة النّبی الاعظم ﷺ، ج ۴، ص ۱۱۸.

رساند و توجه و حمایتشان را جلب کرد. پس از چندی، همین حمایت‌ها یکی از زمینه‌های اصلی شکست تحریم‌ها شد.^{۴۲} مردم مکه که اغلب، خویشانی در شعب داشتند، یارای دوری اقوام و دیدن فشار بر آنان را از دست دادند و به کمک‌کردن روی آوردند. صدای رفع تحریم از میان همان‌ها برخاست و مشرکان را تحت فشار قرار داد.^{۴۳}

۱۸. اعزام هیأت سیاسی - فرهنگی به سایر بلاد

پیامبر ﷺ گروهی از مسلمانان را به حبشه اعزام کرد.^{۴۴} این سفر، افزون بر اینکه می‌توانست پیام اسلام را به نقاط دیگر برساند و موجب گسترش کمی تعداد مسلمانان شود، حمایت جوامع دیگر را هم جلب می‌کرد و مشرکان را تحت فشار قرار می‌داد.^{۴۵} علاوه بر این، روحیه مسلمانان تحریم‌شده را تقویت می‌کرد. مسلمانان اعزام‌شده نیز می‌توانستند افزون بر رهایی از فشارهای شدید، بنیه مالی، اجتماعی و سیاسی‌شان را تقویت کنند و بعدها از آن در راه کمک به مسلمانان دیگر بهره ببرند. در حقیقت، پیامبر در سخت‌ترین تحریم‌ها نیز پیام رسالتش را صادر کرد.

۱۹. نپذیرفتن معامله با دشمن

در بازه حضور پیامبر ﷺ و یارانش در شعب ابي طالب و پیش از آن، بارها مشرکان به صورت‌های مختلف کوشیدند با معامله، ایشان را به کوتاه‌امدن وادار کنند. ولی پیامبر ﷺ هیچ‌گاه درخواست مشرکان را برای رهاکردن دعوت خود و حتی کاهش آن نپذیرفت.^{۴۶} مشرکان به سراغ ابوطالب رفتند، به گمان آنکه فشار شعب، او را به معامله وادار خواهد کرد. پاسخ ابوطالب ﷺ به مشرکان، قصیده لامیه بود که در آن بر راست‌گویی پیامبر ﷺ و حمایت از ایشان تأکید شده است.^{۴۷}

۲۰. پیشرفت در دعوت و مبارزه

پیامبر ﷺ نه‌تنها مبارزه‌اش را کاهش نداد، بلکه رفته‌رفته خاکریز جنگ را جلوتر برد و دشمن را وادار به عقب‌نشینی کرد. روش هوشمندانانه‌اش به گونه‌ای بود که مشرکان، در آغاز دعوت،

۴۲. الکامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۸۹.

۴۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۴.

۴۴. تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۶؛ السیرة النبویة، ج ۲، ص ۴۶. برخی از منابع، اعزام گروهی از مسلمانان به حبشه را پیش از ورود پیامبر ﷺ به شعب ابي طالب دانسته‌اند و برخی دیگر، هجرت دوم را پس از ورود به شعب شمرده‌اند. (السیرة الحلیبة، ج ۱، ص ۴۸۴)

۴۵. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۲ و ۲۳۴.

۴۶. تاریخ مدینة دمشق، ج ۶۶، ص ۳۱۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۶.

۴۷. البداية و النهاية، ج ۳، ص ۱۰۷.

درخواست ترک دعوت به اسلام می‌کردند ولی در ادامه، به دعوت راضی شده بودند و از پیامبر ﷺ می‌خواستند بت‌ها را نفی نکنند! آنها از همین موضع نیز عقب نشستند و از ایشان خواستند احترام چند بت بزرگ را نگه دارد!^{۴۸} این قضیه نشان می‌دهد که مقاومت هوشمندانه رمز پیروزی و فتح خاکریزها است.

۲۱. حفاظت از جان پیامبر ﷺ و تازه‌مسلمانان

یکی از مهم‌ترین دلایل تشکیل اجتماعی کوچک جدای از جامعه مکه، حفاظت از جان پیامبر ﷺ بود. مسلمانان در این جامعه می‌توانستند آسان‌تر از جان ایشان و خود حفاظت کنند. ابوطالب به بنی‌هاشم دستور داده بود با خون خود از پیامبر ﷺ حمایت کنند. حتی به آنان گفت اگر خاری به پای ایشان رود آنها را مجازات خواهد کرد.^{۴۹} وضعیت جغرافیایی این اجتماع کمک می‌کرد حرکات کوچک اطراف آن نیز گزارش شود.^{۵۰} با تشکیل این جامعه، همسایگان پیامبر ﷺ از همه اطراف، یاران ایشان بودند و همین ویژگی به حفظ جان پیام‌آور و رهبرشان کمک می‌کرد. پیامبر ﷺ حفظ جان خود و هسته نخستین مسلمانان را برای حفظ و گسترش اسلام ضروری می‌دید و در عین جان‌فشانی هیچ‌گاه خود و یارانش را بی‌جهت در معرض خطر قرار نمی‌داد.^{۵۱}

۲۲. ایستادگی مردم

مسلمانان در اوضاع بسیار سخت تحریم، از حمایت پیامبر ﷺ دست برنداشتند. آنها حتی حاضر نشدند دستاوردشان را، که دین اسلام بود، رها کرده، در مقابل، نیازهای ضروری خویش را تامین کنند.^{۵۲} در حقیقت، الگوی رفتار مسلمانان در صدر اسلام، نشان‌دهنده راهکار جلب حمایت‌های الهی است؛ راهکاری که بر ایستادگی و صبر استوار است.^{۵۳}

۴۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۴۹. اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۲۵؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۶۳.

۵۰. سیرة ابن هشام، ج ۱، ص ۳۵۰.

۵۱. ن. ک. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۸۰؛ ایمان ابی‌طالب، ص ۲۱.

۵۲. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۰؛ البدایة و النہایة، ج ۳، ص ۱۰۷.

۵۳. در برخی از گزارش‌ها آمده است که معراج پیامبر ﷺ یا یکی از دفعات آن در دوره شعب بوده است. (الخلاف، ج ۳،

۲۳. ایجاد اختلاف در میان دشمن

پیامبر ﷺ از فرصت ایجاد شده در شعب برای ایجاد اختلاف میان سران کفر بهره برد. این اختلاف‌ها به جایی رسید که برخی از بزرگان قریش هم‌پیمان شدند تا پیمان پیشین را بشکنند. این، دستاوردی بزرگ برای شعب‌نشینان بود.^{۵۴}

۲۴. هوشمندی در دادن اطلاعات

پیمان‌نامه سران کفر را، پس از سه سال،^{۵۵} به امر الهی، موریانه خورد و جز عنوان «باسمک اللهم» در آن باقی نماند. با تدبیر پیامبر ﷺ این خبر به گونه‌ای ویژه به دیگران داده شد. ایشان ابوطالب را، که بزرگ مکه و یاور همیشگی بود، به نمایندگی برگزید.^{۵۶} ابوطالب به همراه گروهی از فرزندان عبدالمطلب به مسجدالحرام رفت که مرکزی امن و مهم برای همه محسوب می‌شد. مشرکان گمان کردند آنها از شدت گرسنگی قصد دارند از پیامبر ﷺ دست بردارند. اما ابوطالب تا جمع‌شدن همه سران کفر صبر کرد و سپس سخنش را این‌گونه آغاز کرد:

خبری مهم و غیبی برایتان دارم.

توجه مشرکان جلب شد. او پیش از بیان خبر، با آنها شرط کرد که در صورت راست‌بودنش، دست از تحریم بردارند. آنها، که گمان نمی‌کردند پیامبر ﷺ بتواند خبری غیبی بیاورد، پذیرفتند. با بیان خبر و بررسی درستی آن، میان مشرکان اختلاف افتاد. ابوطالب توانسته بود با رساندن هم‌زمان خبر به همه سران، دل برخی از آنان را که نرم‌تر بود، به دست آورد و در میانشان اختلاف افکند و عده‌ای را برای برداشتن تحریم قانع کند. سپس به کاری تبلیغاتی دست زد. او با سرودن قصیده بایه، پیامبر ﷺ و کسانی را تمجید و مدح کرد که با جداشدن از دیگران، تحریم را لغو کردند و کسانی را که هنوز دست از تحریم برنداشتند نکوهید.^{۵۷} این روش، مؤثر بود و عده بیشتری را به برداشتن تحریم‌ها وادار کرد. اکنون فقط ابولهب باقی مانده بود که وی نیز به تنهایی نمی‌توانست کاری به پیش ببرد. ابوطالب ماجرا را به پیامبر گزارش کرد. شعب‌نشینان با استقبال برخی از بزرگان و مردم مکه از شعب خارج شدند و زندگی عادی‌شان را همراه با افتخار در مکه آغاز کردند.^{۵۸} چه‌بسا اگر این اطلاعات صرفاً به گروهی از کافران داده می‌شد آنها می‌توانستند آن را به گونه دیگری جلوه دهند و به ضرر مسلمانان از آن بهره گیرند؛ اما ارائه هم‌زمان خبر به همه مشرکان موجب جدایی برخی از آنها شد و اجماع را با شکست مواجه کرد.

۵۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۵۹.

۵۵. برخی از گزارش‌ها، دوران تحریم را چهار سال می‌دانند. (اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۲۷)

۵۶. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۴.

۵۷. البداية و النهاية، ج ۳، ص ۱۲۱.

۵۸. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۳۱۲: الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۴.

تدبیر درست پیامبر موجب شد هیچ کدام از پنج فرضیه کافران محقق نشود؛ هم‌زمان با طولانی‌شدن تحریم و سخت‌شدن روزگار بر پیامبر ﷺ و یاران، روزه‌روز وضعیت سران مشرکان نیز سخت‌تر می‌شد و با تقاضای مردم طوایف و گروه‌های خودشان برای رفع تحریم مواجه می‌شدند.^{۵۹} کمک‌های مخفیانه‌ای^{۶۰} که همواره به شعب می‌رفت، جای خود را به کمک‌های آشکار داد و عملاً تحریم‌ها با یاری خانواده‌های خود مشرکان شکسته شد. در این هنگام، خبر الهی پیامبر ﷺ و تدبیر هوشمندانه ایشان در نوع رساندن این خبر به مشرکان موجب برداشته‌شدن تحریم و اثبات حقانیت اسلام گردید.^{۶۱}

الگوی بیست‌وچهار بندی راهبردهای مدیریت نبوی در شعب ابی‌طالب، امروز نیز می‌تواند مفید باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.^{۶۲}

با توجه به امر قرآن به بهره‌گیری از سنت پیامبر ﷺ،^{۶۳} ضروری است این راهبردها، به عنوان الگوی مدیریت در موقعیت‌های فراسخت، لحاظ و عملی شود.

نتیجه

مشرکان مکه وقتی از تهدید و تطمیع و مذاکره با پیامبر ﷺ و ابوطالب ﷺ به نتیجه‌ای نرسیدند فشارها را بر ایشان و یارانشان افزایش دادند. آنها تحریمی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی وضع کردند تا مسلمانان و رهبرشان را به تسلیم وادارند. پیامبر ﷺ با مشورت ابوطالب و همراهی بنی‌هاشم و گروهی از مسلمانان، جامعه جدیدی در شعب ابی‌طالب تشکیل داد تا بتوانند در کنار یکدیگر از فشارها بکاهند و بر قوت خویش بیفزایند. این تدبیر بر راهبردهایی ۲۴ گانه مبتنی بود. ایستادگی مسلمانان موجب جلب حمایت الهی شد و خداوند پیمان قریش برای تحریم همه‌جانبه مسلمانان را نابود کرد. رسیدن ندای مظلومیت پیامبر ﷺ و یاران ایشان به مردم موجب شد تقاضاهای رفع تحریم از مکه شنیده شود. مشرکان ناچار شدند محاصره را پایان دهند. پیامبر ﷺ و یارانش با افتخار از شعب بیرون آمدند و محیط مکه را تحت تاثیر فعالیت‌های تبلیغی‌شان قرار دادند.

۵۹. البداية و النهاية، ج ۳، ص ۱۰۷.

۶۰. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۴۴.

۶۱. اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۲۸.

۶۲. الاحزاب: ۲۱.

۶۳. النساء: ۶۴ و ۸۰؛ الانفال: ۲۴.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. اخبار مکه، ازرقی، محمد بن عبدالله، تحقیق: صالح ملحس رشدی، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۱۱ق.
۳. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر، علی بن محمد، تهران: اسماعیلیان، بی‌تا.
۴. اعلام الوری باعلام الهدی، طبرسی، فضل بن حسن، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق.
۵. انساب الاشراف، بلاذری، احمد بن یحیی، تحقیق: محمد حمیدالله، مصر: دار المعارف، ۱۹۵۹م.
۶. ایمان ابی طالب، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه البعثة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق.
۷. البداية و النهاية، ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ق.
۸. تاریخ ابن خلدون، ابن خلدون مغربی، عبدالرحمن بن محمد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الرابعة، بی‌تا.
۹. تاریخ الاسلام، ذهبی، شمس‌الدین محمد، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ق.
۱۰. تاریخ الطبری، طبری، محمد بن جریر، تحقیق: نخبة من العلماء، بیروت: مؤسسه الاعلمی، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۳ق.
۱۱. تاریخ یعقوبی، یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، قم: فرهنگ اهل بیت علیه السلام، بی‌تا.
۱۲. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، علی بن حسن، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفكر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ق.
۱۳. جواهر التاریخ، کورانی عاملی، علی، بیروت: باقیات، الطبعة الاولى، ۱۴۳۰ق.
۱۴. الخرائج والجرائح، راوندی، قطب‌الدین، تحقیق: مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، قم: مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹ق.
۱۵. الخلاف، طوسی، محمد بن حسن، تحقیق: جماعة من المحققین، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۱۶. دلائل النبوة، بیهقی، احمد بن حسین، بیروت: دار الفكر، بی‌تا.
۱۷. سیره ابن هشام، ابن هشام حمیری، عبدالملک، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهرة: مكتبة محمد علی صبيح و اولاده، الطبعة الاولى، ۱۳۸۳ق.
۱۸. السيرة الحلیة، حلبی، علی بن ابراهیم، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى، ۱۴۰۰ق.
۱۹. السيرة النبوية، ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى، ۱۳۹۶ق.

۲۰. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحديد، ابو حامد عبدالحمید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، تهران: اسماعیلیان، چاپ اول، بی تا.
۲۱. الصّحیح من سیرة النّبی الاعظم ﷺ، عاملی، جعفر مرتضی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۲۲. الطّبقات الکبری، ابن سعد، محمد، بیروت: دار صادر، بی تا.
۲۳. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.
۲۴. الکامل فی التّاریخ، ابن اثیر، علی بن محمد، بیروت: دار صادر، الطبعة الاولى، ۱۳۸۵ق.
۲۵. معجم البلدان، حموی، یاقوت بن عبدالله، بیروت: دار احیاء التّراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۳۹۹ق.
۲۶. مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، تحقیق: محمد عبدالحمید نمیسی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰ق.
۲۷. مناقب ال ابی طالب، مازندرانی، ابن شهر آشوب، تحقیق: لجنة من اساتذة النجف الاشرف، النجف: بی تا، ۱۳۷۶ق.
۲۸. وقعة صفین، منقری، نصر بن مزاحم، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: کتابخانه مرعشی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۳ق.
۲۹. ینابیع المودة لذوی القربی، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، تحقیق: سید علی جمال اشرف حسینی، قم: اسوة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ق.

مقالات

۳۰. «اماکن و اثار: تحقیقی پیرامون شعب ابی طالب»، قاضی عسگر، علی، در: میقات حج، ش ۳، ص ۱۴۷-۱۷۲، ۱۳۷۲ش.
۳۱. «شعب ابی طالب»، ابراهیمی، زینب، ۱۳۹۹ش، در: <http://pajoohe.ir>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی